

# ترور در تهران، بحران در منطقه

## ترور در تهران، بحران در منطقه

### زهرا کریمی‌نیا

صبحگاه چهارشنبه دهم مرداد ۱۴۰۳ ایران و جهان با خبری شوک‌آور و غیرمنتظره روبرو شد؛ رئیس دفتر سیاسی «حماس» در شمال تهران ترور شده، جان خود را از دست داده‌است.

خبرهای تکمیلی اما مبهم حاکی از آن بود که حوالی ساعت ۲ بامداد ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴ با اصابت موشک پرتاب‌شده‌ای از هوا به محل اقامت اسماعیل هنیه در یکی از آسایشگاه‌های جانبازان در شمال تهران، وی به همراه یکی از محافظان (وسیم شعبان) هدف سوء قصد مرگباری قرار گرفته‌است. او که روز قبل از آن (سه‌شنبه نهم مرداد) به همراه زیاد النخاله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب دیدار کرده بود، روز چهارشنبه پس از شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان، به عنوان رئیس‌جمهور جدید ایران در مجلس شورای اسلامی و بازدید از نمایشگاه سرزمین تمدن‌ها در برج میلاد تهران به محل اقامت خود بازگشته بود.

با اینکه هیچ شخص، نهاد یا گروهی مسئولیت این اقدام را به عهده نگرفت، اما با توجه به اینکه اسرائیل پس از حمله ۷ اکتبر حماس به این کشور که در آن ۱۲۰۰ نفر کشته شدند، قول «نابودی» مقامات ارشد حماس را داده بود، می‌توان پذیرفت که این ترور به دستور مقامات بالا و با مباشرت عوامل نفوذی اسرائیل در داخل ایران انجام گرفته‌شده باشد.

پس از انتشار خبر ترور هنیه مقامات لشکری و کشوری ایران با انتشار پیام‌های تسلیت جداگانه به این موضوع واکنش نشان و وعده انتقام و خونخواهی دادند. موجی از اعلام محکومیت‌ها از سوی بسیاری از شخصیت‌های کشورهای جهان به راه افتاد. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز سه‌روز عزای عمومی اعلام کرد و تجمعات مختلفی هم در سراسر کشور در تقیح این اقدام برگزار شد.

آیین وداع با پیکر رئیس دفتر سیاسی حماس و محافظش هم شامگاه همان‌روز در معراج شهدای تهران برپا گردید. همچنین مراسم تشییع دو قربانی این ترور هدفمند، از ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ با اقامه نماز میّت توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دانشگاه تهران،

انجام شد. این مراسم با سخنرانی محمدباقر قالیباف و حضور گسترده مسؤولان بلندپایه کشور، از جمله دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور و جمع کثیری از مردم، همراه بود. تشییع پیکر اسماعیل هنیه و محافظش از دانشگاه تهران به سمت میدان آزادی تا چهار راه نواب برگزار شد. جسد هنیه و محافظش پس از تشییع در تهران و تکمیل مراحل بررسی جزئیات حادثه، به دوحه منتقل شد و روز جمعه دوازدهم مردادماه با حضور «تمیم بن حمد آل ثانی» امیر و نخست‌وزیر قطر و رهبران گروه‌های مقاومت فلسطین و هیأت‌های رسمی ایران، ترکیه و کشورهای عربی پس از اقامه نماز بر پیکر وی در مسجد «محمد بن عبدالوهاب» دوحه در مقبره «امام الموسس» در «لوسیل» به خاک سپرده شد. بر اساس گزارش‌ها، هزاران نفر بعد از نماز جمعه در مسجد مذکور بر پیکر اسماعیل هنیه به امامت خلیل الحیه، یکی از رهبران مقاومت حماس، نماز میّت اقامه کردند. «زیاد نخاله» دبیرکل جنبش جهاد اسلامی، خالد مشعل و دکتر عارف، معاون اول رئیس‌جمهور ایران، نیز در این مراسم حضور داشتند.

«مراد العضایله»، دبیرکل اخوان المسلمین، «همام سعید»، دبیرکل سابق اخوان المسلمین و «عبدالحمید ذنیبات»، رئیس مجلس شورای این گروه، علاوه بر «وائل السقا»، دبیرکل موقت حزب جبهه کار اسلامی و «احمد الرزقان»، رئیس مجلس شورای این حزب از شرکت‌کنندگان این مراسم بودند. برای بررسی دقیق‌تر ابعاد سیاسی-نظامی و اهمیت بین‌المللی این ترور در تهران و آن هم در آغاز کار دولت چهاردهم که پس از حادثه سقوط بالگرد حامل ابراهیم رئیسی بر روی کار آمده بود، لازم است ابتدا به بررسی احوال، کارنامه و افکار و مواضع اسماعیل هنیه بپردازیم.

زندگینامه اسماعیل هنیه

ابوالعبد اسماعیل عبدالسلام احمد هنیه در ۲۹ ژانویه ۱۹۶۳ در اردوگاه الشاطی (مخیم الشاطی) در نوار غزه تحت اشغال مصر به دنیا آمد. محل اصلی زندگی خانواده‌اش قبل از آوارگی، روستای الجوره در عسقلان بوده است. پدر و مادرش در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ از خانه‌هایشان، اخراج شدند یا از آنها فرار کردند. او در مدارس سازمان ملل متحد (آنروا) تحصیل و دوره دبیرستان را در دانشسرای دینی الازهر در غزه کامل کرد و در سال ۱۹۸۱ وارد دانشگاه اسلامی غزه شد و به عضویت انجمن اسلامی این دانشگاه در آمد. وی همچنین از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۴ عضو شورای دانشجویی دانشگاه بود و از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۶ به نمایندگی از اخوان المسلمین ریاست شورای دانشجویی دانشگاه را بر عهده داشت. هنیه در سال ۱۹۸۷ تقریباً همزمان با آغاز انتفاضه اول از دانشکده تربیت دانشگاه اسلامی غزه

در رشته زبان و ادبیات عرب دانش‌آموخته شد. اسماعیل هنیه در تظاهرات انتفاضه اوّل شرکت کرد و توسط دادگاه نظامی اسرائیل به زندان محکوم شد. او بار دیگر در سال ۱۹۸۸ توسط اسرائیل بازداشت و به مدت شش‌ماه و در سال ۱۹۸۹ به مدت سه‌سال زندانی شد. پس از آزادی، در سال ۱۹۹۲، مقامات نظامی اسرائیل بار دیگر او را در تاریخ ۱۷/۱۲/۱۹۹۲ همراه با ۴۱۵ نفر از رهبران و فعالان حماس و جهاد اسلامی، از جمله عبدالعزیز الرنتیسی، محمود زهار، عبدالعزیز رنتیسی به مرج الزهور در جنوب لبنان تبعید کردند. این فعالان بیش از یکسال در جنوب لبنان ماندند، جایی که به گفته بی‌بی‌سی: «حماس در معرض رسانه‌های بی‌سابقه‌ای قرار گرفت و در سراسر جهان شناخته شد». اسماعیل هنیه یک سال بعد به غزه بازگشت و به ریاست دانشگاه اسلامی منصوب شد.

هنیه، همچون یک سیاستمدار

اسماعیل هنیه در ۱۶ فوریه ۲۰۰۶ در پی پیروزی «فهرست تغییر و اصلاحات» حماس در انتخابات ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶ به‌عنوان نخست‌وزیر نامزد شد. او رسماً در ۲۰ فوریه با محمود عباس، رئیس دولت فلسطین دیدار کرد و در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ سوگند خورد.

در پی این انتخابات اسرائیل مجموعه‌ای از ترتیبات تنبیهی، از جمله تحریم‌های اقتصادی را علیه تشکیلات خودگردان وضع کرد. نخست‌وزیر وقت اسرائیل ایهود اولمرت، اعلام کرد اسرائیل به تشکیلات خودگردان فلسطین اجازه نمی‌دهد حدود ۵۰ میلیون دلار از عواید مالیاتی جمع‌آوری‌شده از سوی اسرائیل به نیابت از تشکیلات خودگردان به آن منتقل شود. هنیه این تحریم‌ها را رد و اعلام کرد که حماس نه خلع سلاح می‌شود، نه اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد.

در پی آن، آمریکا درخواست کرد ۵۰ میلیون دلار کمک هزینه نشده به تشکیلات خودگردان به آمریکا بازگردانده شود که وزیر اقتصاد فلسطین با آن موافقت کرد. هنیه متعاقباً از دست دادن کمک آمریکا و اتحادیه اروپا، گفت: «غرب همیشه از کمک‌هایش برای اعمال فشار به مردم فلسطین استفاده می‌کند».

در این گیرودار لازم بود توافقی با محمود عباس حاصل شود تا از فراخوان او برای انتخابات جدید جلوگیری شود. در شب این توافق در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۶ برای پایان دادن به جنگ جناحی بین فتح و حماس، به کاروان هنیه در غزه سوء قصد و یکی از خودروهای آن به آتش کشیده شد. در این حمله به هنیه آسیبی نرسید. منابع حماس از آن واقعه، تعبیر به ترور نکردند. منابع امنیتی تشکیلات خودگردان گزارش کردند حمله‌کنندگان بستگان یک عضو فتح بودند که در درگیری‌ها با حماس کشته شده بود. پس از ترک مخاصمه میان فتح و حماس، در

دسامبر ۲۰۰۶ و برقراری آرامشی نسبی، به هنیه اجازه ورود به غزه از مصر در گذرگاه مرزی رفح داده نشد. این گذرگاه، هنگامی که هنیه از اولین سفر رسمی خارجی خود به‌عنوان نخست‌وزیر به غزه بازمی‌گشت، به دستور وزیر دفاع وقت اسرائیل، امیر پرتز بسته‌شد. او در حدود ۳۰ میلیون دلار آمریکا پول نقد بودجه تشکیلات خودگردان را با خود حمل می‌کرد. مقامات اسرائیلی بعدها گفتند در صورتی که پول در مصر بماند و به یک حساب بانکی اتحادیه عرب منتقل‌شود به هنیه اجازه عبور از مرز را می‌دهند. این واقعه موجب نبرد مسلحانه‌ای شد بین ستیزه‌جویان حماس و نگهبانان ریاست تشکیلات خودگردان. دیده‌بانان اتحادیه اروپا که این گذرگاه را اداره می‌کردند به ایمنی تخلیه شدند. وقتی هنیه سعی به گذر از مرز کرد تبادل آتش درگرفت و یک محافظ کشته و پسر بزرگ او زخمی شد. حماس این حادثه را تلاش گروه رقیب فتح برای کشتن هنیه خوانده و آن را محکوم کرد. این باعث جنگ مسلحانه در نوار غزه و کرانه باختری بین نیروهای حماس و فتح شد. از هنیه نقل شد که می‌داند متهمان کیستند ولی از شناساندن آنها خودداری کرد و خواهان وحدت فلسطینیان شد. مصر پیشنهاد میانجی‌گری داد.

#### دولت وحدت ملی فلسطین ۲۰۰۷

هنیه در ۱۵ فوریه ۲۰۰۷ در چارچوب فرایند تشکیل حکومت وحدت ملی بین حماس و فتح استعفا داد. او در ۱۸ مارس ۲۰۰۷ حکومت جدیدی به‌عنوان رئیس کابینه‌ای که شامل سیاستمداران فتح و نیز حماس بود تشکیل داد. در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۷، در میانه نبرد ۲۰۰۷ غزه، محمود عباس انحلال حکومت وحدت مارس ۲۰۰۷ و اعلان یک وضعیت اضطراری را اعلام کرد. هنیه برکنار شد و عباس با فرمان‌های ریاست تشکیلات بر کرانه باختری و غزه حکومت می‌کرد. سرانجام در سال ۲۰۱۶ هنیه پذیرفت از غزه به قطر، جایی‌که دفتری در دوحه داشت، نقل مکان کند.

رابطه با نیروی قدس سپاه پاسداران

در دی ۱۳۹۸ هنیه و هیأتی از حماس در تهران با اسماعیل قاآنی فرمانده نیروی قدس دیدار و گفتگو داشتند. هنیه گفته بود که جمهوری اسلامی ایران ۷۰ میلیون دلار به جنبش حماس پول داده‌است. الزهار از مقام‌های ارشد حماس گفته است: «قاسم سلیمانی، فوراً درخواست ما را پاسخ داد و فردا در فرودگاه ۲۲ میلیون دلار در چمدان به ما تحویل داد». الزهار همچنین اظهار داشته بود: «قرار بوده‌است مبلغ بیشتری پرداخت‌شود؛ اما (هیأت حماس) ۹ نفره بود و نمی‌توانستیم بیش از این حمل کنیم، زیرا هر چمدان ۴۰ کیلوگرم گنجایش داشت».

ریاست دفتر سیاسی حماس

در نوامبر ۲۰۱۶ گزارش‌هایی مبنی بر جانشینی حماس به‌جای خالد مشعل به‌عنوان رهبر حماس مطرح‌شد. هنیه، مشعل و محمود عباس در قطر برای بحث در خصوص آشتی ملی و انتخابات‌های پیش رو دیدار کردند. این دیدار نشان از آن داشت که هنیه به جای دو نامزد محتمل دیگر، موسی ابو مرزوق و محمود زهار انتخاب شده‌است.

در سال ۲۰۱۸ ایالات متحده آمریکا هنیه را در فهرست تروریست‌های ویژه جهانی قرار داد.

در فوریه ۲۰۲۰ هنیه با رئیس‌جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان دیدار کرد. وزارت امور خارجه آمریکا این دیدار را آسیب‌زننده به منافع مردم فلسطین و تضعیف‌کننده تلاش‌های جهانی برای جلوگیری از حملات تروریستی از غزه خواند.

در اوت ۲۰۲۰ هنیه با محمود عباس تماس‌گرفت و توافق‌نامه صلح اسرائیل-امارات متحده عربی را رد کرد و اعلام کرد که رویترز آن را یک نمایش نادر وحدت خواند. در ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۳ هنیه با اردوغان و محمود عباس دیدار کرد. تلاش ترکیه برای آشتی بین فتح و حماس پشت پرده این دیدار بود.

هنیه، همچون فرمانده جنگ حماس و اسرائیل

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در روز حمله حماس به اسرائیل، هنیه در استان بولس ترکیه بود. ویدئویی از دوحه هنیه را در حال جشن گرفتن حمله حماس به اسرائیل به همراه دیگر مقامات حماس پیش از سجده و حمد خداوند نشان می‌داد. این‌گونه بود که، هنیه چهره شاخص و کانونی این حمله شد و در منظر عام این عملیات را سرآغاز دوره جدیدی در درگیری فلسطین و اسرائیل توصیف کرد.

هنیه در یک سخنرانی تلویزیونی به تهدیدات نسبت به مسجدالاقصی، محاصره نوار غزه از سوی اسرائیل، و مرارت‌های پناهندگان فلسطینی استناد کرد: «چند بار به شما هشدار دادیم که مردم فلسطین ۷۵ سال است دارند در اردوگاه‌های پناهندگان زندگی می‌کنند، و شما از به رسمیت شناختن حقوق مردم ما سر باز می‌زنید؟» او به روند عادی سازی رابطه با رژیم اسرائیل به‌شدت تاخته و اعلام کرد که این شیوه، نمی‌تواند مسأله فلسطین را حل و فصل کند. در ۲ نوامبر ۲۰۲۳، هنیه اظهار داشت اگر اسرائیل با آتش‌بس و گشایش گذرگاه‌های بشردوستانه برای آوردن کمک بیشتر به غزه موافقت‌کند، حماس برای «مذاکرات سیاسی برای یک راه چاره دو کشوری با قدس به عنوان پایتخت فلسطین موافق است» و افزود «اسرای اسرائیلی نیز در معرض همان نابودی و مرگ مشابه مردم ما هستند».

تهران، ایستگاه آخر

سرانجام بامداد ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ هجری شمسی (۳۱ جولای ۲۰۲۴ میلادی)، یک روز بعد از برگزاری مراسم تحلیف مسعود پزشکیان، نهمین رئیس جمهور ایران و آغاز به کار دولت چهاردهم، خبر رسید که اسماعیل هنیه که برای حضور در مراسم تحلیف به تهران آمده بود، به همراه یکی از محافظانش ترور شده است.

او که در اکثر ادوار زندگی خود، با مرگ دست‌وپنجه نرم کرده و بارها هدف سوءقصد‌های نافرجام قرار گرفته بود، در زمان و مکانی جان خود را از دست داد که کسی فکرش را هم نمی‌کرد و علی‌القاعده یکی از امن‌ترین جاهای جهان برای وی و همفکرانش باید می‌بود.

هنیه همواره از اهداف اصلی جوخه های ترور اسرائیل بوده است و مقام های رژیم تل آویو نیز همواره بر این امر تأکید داشته‌اند. آخرین باری که وی به طور مستقیم هدف عملیات ترور اسرائیل قرار گرفته بود در سپتامبر ۲۰۰۳ بود. هنیه خود روایتی شنیدنی از این ترور داشت: «در سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی همراه شیخ احمد یاسین به دیدار دکتر مروان ابوراس رفته بودیم. وقتی ناهار را در منزل ایشان میل کردیم، ناگهان یک هواپیمای اف۱۶ محلی را که در آن بودیم بمباران کرد. سقف فروریخت و همه جا را دود و گرد و خاک فراگرفت. به شکرانه پروردگار موفق شدیم از منزل خارج شویم و خداوند ما و خانواده دکتر ابوراس را نجات داد».

اسماعیل هنیه متأهل و دارای چند همسر و ۱۳ فرزند بود که سه نفر از آنها در سال ۲۰۲۴ ترور شدند. در اکتبر ۲۰۲۳ جنگنده‌های ارتش اسرائیل خانه هنیه در شهره غزه را بمباران کردند که طی این حادثه ۱۴ نفر از اعضای خانواده وی از جمله یک برادر و برادرزاده اش کشته شدند. در نوامبر ۲۰۲۳، طبق گزارش‌ها، یک نوه او در یک حمله هوایی اسرائیل در شهر غزه جان باخت. در اواخر همان ماه، نوه بزرگ او در حمله اسرائیل کشته شد. سه تن از پسران و سه نوه او در حمله هوایی اسرائیل در نوار غزه در ۱۰ آوریل ۲۰۲۴ ترور شدند. سه خواهر او شهروند اسرائیل هستند و از دهه ۱۹۷۰ تاکنون در شهرک تل سبوع در صحرای نگب زندگی می‌کنند. تعدادی از خواهرزاده‌های هنیه نیز در ارتش اسرائیل خدمت کرده‌اند.

کارنامه هنیه در یک نگا

از جمله سمت‌های اسماعیل هنیه در طول های سال‌های گذشته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دبیر پیشین هیأت امنای دانشگاه اسلامی غزه  
مسئول پیشین امور اداری دانشگاه اسلامی غزه

مدیر سابق علمی دانشگاه اسلامی غزه  
عضو سابق امنای دانشگاه اسلامی غزه  
عضو کمیته عالی گفتگوی حماس با بقیه گروه‌های فلسطینی و تشکیلات  
خودگردان

عضو کمیته عالی پیگیری انتفاضه به نمایندگی از حماس  
عضو رهبری سیاسی جنبش حماس  
ریاست دفتر شیخ احمد یاسین رهبر و بنیانگذار جنبش مقاومت اسلامی  
حماس (که در ۲۲ مارس ۲۰۰۴ ترور شد)  
عضو سابق هیأت مدیره جمعیت اسلامی غزه  
رئیس باشگاه جمعیت اسلامی غزه به مدت ۱۰ سال

یک ترور و پیامدهای آن

ترور رئیس دفتر سیاسی حماس، آن هم در تهران، مسأله‌ای نبود که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت. این واقعه غیرمنتظره تا چندین روز پس از وقوع، به تیر اول خبرگزاری‌ها تبدیل شد و تحلیل‌گران و ناظران و مقامات سیاسی متعددی از سراسر جهان به بحث و اعلام موضع درباره آن پرداختند. در این میان اما دو موضوع اساسی، محل بحث و مناقشه بود؛ نخست شکاف امنیتی، اطلاعاتی غیرقابل‌قبولی که انجام چنین عملیاتی را در تهران ممکن ساخته بود و دو دیگر، واکنش جمهوری اسلامی ایران به این پدیده بی‌سابقه.

بی‌تردید امکان چنین عملیات دقیق و بی‌نقصی در تهران، جایی که ده‌ها مهمان بلندپایه خارجی تحت شدیدترین تدابیر امنیتی، حضور دارند و برای نماینده کشور فلسطین نیز سنگین‌ترین پروتکل‌ها، در نظر گرفته شده است، یک شکست برای دستگاه‌های حفاظتی، اطلاعاتی و امنیتی ایران به حساب می‌آید؛ مضافاً این‌که در ماه‌های پیش از آن نیز، مقامات نظامی ایران در خارج و داخل هدف ترورهای موفق قرار گرفته بودند و این واقعه حتی این تشکیک را در اذهان خاص و عام ایجاد نمود که ای‌بسا سقوط بالگرد ابراهیم رئیسی نیز نتیجه یک عملیات پیچیده تروریستی می‌تواند باشد! که اگر چنین باشد، باید به دنبال عوامل نفوذی در میان بالاترین سطوح مسؤولان امنیتی و اطلاعاتی ایران گشت. هرچند اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات دولت‌های سیزدهم و چهاردهم، در خصوص نقش عوامل نفوذی در ترور شهید هنیه، تأکید کرد که بر اساس گزارش‌ها و اطلاعاتی که سپاه پاسداران داده، برای این موضوع نقشی دیده نشده است.

این اظهار نظر وزیر اطلاعات فعلی در تناقض با هشدار است که وزیر اطلاعات اسبق، علی یونسی، از مدتها پیش داده بود؛ وی در سال ۱۴۰۰ در مصاحبه با «جماران» گفته بود: «...در ۱۰ سال اخیر متأسفانه نفوذ

موساد در بخش‌های مختلف کشور به حدّی است که جا دارد همه مسؤولان جمهوری اسلامی برای جان خودشان نگران باشند. متأسفانه سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی به جای اینکه آنها را شناسایی کنند به جان خودی‌ها افتاده‌اند. غفلت از موساد سبب شده که نفوذ کند و این‌گونه ضربه بزند. به گونه‌ای که صریحاً مسؤولان جمهوری اسلامی را تهدید کند. برای من به عنوان فردی که مدتی در وزارت اطلاعات کار کرده‌ام، بسیار دردآور است. در زمان ما و قبل از ما چنین نفوذهایی وجود نداشت و آنچه می‌گفتند کار اسراییل است، ثابت شد که نبود... بعد از ما به دلیل رقابت سرویس‌های اطلاعاتی، موازی‌کاری که در وزارت اطلاعات رخ داد و سازمان‌های جدیدی که در مقابل وزارت اطلاعات ایجاد شد، وزارت اطلاعات را تضعیف کردند».

مسأله دیگر و چه بسا مهم‌تر، نحوه پاسخ جمهوری‌اسلامی‌ایران به این تعرض جسورانه به تمامیت ارضی کشور بوده و هست. این پاسخ، که به کرات از سوی مقامات سیاسی و نظامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است، باید در تصویری وسیع‌تر و در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیده و ارزیابی شود. برای نمونه، موضع وزیر امور خارجه روسیه درباره ترور اسماعیل هنیه، قابل توجه بود؛ سرگئی لاوروف در واکنش به این حادثه در مصاحبه‌ای گفت که ترور رئیس دفتر حماس در تهران، اقدامی برای تحریک ایران بود.

او در گفتگو با شبکه خبری راشاتودی گفت که ایران از تسلیم شدن در برابر اقدامات تحریک‌آمیز و کشیده‌شدن به عملیات نظامی در مقیاس بزرگ خودداری می‌کند و ترور اسماعیل هنیه تلاشی برای تحریم تهران بود. وی افزود: «تلاش داشتند تا ایران را تحریک کنند و به همین دلیل رئیس دفتر جنبش حماس در تهران ترور شد». وزیر امور خارجه روسیه هشدار داد: «خطر تبدیل شدن بحران غزه به درگیری گسترده در منطقه بسیار زیاد است». لاوروف اضافه کرد: «معتقدم که سران ایران مواضع مسؤولانه و متعادلی اتخاذ می‌کنند و به دنبال جلوگیری از تشدید درگیری در منطقه هستند». در محافل تحلیلی، خبری داخلی و حتی در افواه عام ایرانیان، این ذهنیت به وجود آمده و این شبه‌خبر پیچیده بود که رئیس‌جمهور جدید ایران، مسعود پزشکیان، از رهبری نظام درخواست کرده است که در پاسخ به این اقدام تروریستی، خویشتنداری و تأمل بیشتری نماید تا دولت تازه‌کار وی در همان ابتدای راه، دچار بحران امنیتی نشود.

واقع امر هرچه باشد، تا لحظه نگارش این یادداشت، جمهوری‌اسلامی‌ایران واکنشی عملی به ترور اسماعیل هنیه در تهران نشان نداده است که در نوع خود، جالب توجه است و در تناقض با ادبیاتی که مقامات نظامی و امنیتی، پس از این واقعه، در پیش



گرفته بودند. باید صبر کرد و دید عاقبت این ماجرا به کجا خواهد  
انجامید.